

توصیه منتخب نیا به کسانی که گلايه هايي درباره انتخابات دارند

اگر تصمیم نگیرید، برایتان تصمیم می گیرند

از پیش به کاهش مشارکت کمک می کند. آیا به نظر شما کسانی که گزینه مد نظرشان در این دوره از انتخابات حضور پیدا نکرده یا رد صلاحیت شده است، باید در انتخابات شرکت کنند؟

خب باید در ابتدا بگوییم که این افراد عصبانی بوده و از این وضعیت پیش آمده ناراضی هستند و از نگاه خود با رای ندادن شان به دنبال یک اعتراض مدنی هستند و می خواهند این پیام را مخابره کنند که حق شان در این انتخابات تضییع شده است. در عین حال باید بگوییم که این راه، راه مضر است و اگر آن ها با صندوق های رای قهر کنند و برای آینده این کشور تصمیم نگیرند، دیگران برای آینده آن ها تصمیم خواهند گرفت، این افراد بهتر است عصبانیت خود و اعتراض شان را با شرکت در انتخابات و رای به گزینه ای که به نظر آن ها نزدیک است، بیان کنند.



نیز تصریح کرده اند یک وظیفه شرعی نیز هست. قهر و کناره گیری با صندوق های رای مستقیم یا غیر مستقیم به زیان ملت ایران است و وقتی اقتدار نظام تضعیف شود اقتدار مردمی هم تضعیف خواهد شد.

البته در این بین باید گفت که مشارکت حداکثری یا خدای نکرده مشارکت حداقلی دستوری نیست و صرفا با فتوای شرعی حاصل نمی شود بلکه مقدماتی لازم دارد. ما بارها گفتیم که باید زمینه حضور حداکثری در کشور را فراهم کنیم چرا که فعالیت دولت و در پی آن ایجاد رضایت مردم در گرو حضور حداکثری است. در این بین متأسفانه سعه صدر کافی در بعضی از مسئولان نیست و برخورد جناحی آن ها در خصوص انتخابات بیش

رسول منتخب نیا سیاستمدار اصلاح طلب، قائم مقام سابق و از اعضای مؤسس حزب اعتماد ملی و عضو سابق شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز در گفت و گو با ما به موضوع مشارکت مردم در انتخابات پرداخته و عوامل مشارکت حداکثری و حداقلی را مورد بررسی قرار می دهد. وی با اشاره به این که انتخابات در نهایت برگزار خواهد شد تأکید می کند که اگر مردمی که از وضعیت موجود ناراضی هستند در انتخابات شرکت نکنند و برای آینده خود تصمیم نگیرند، قطعاً عده ای دیگر برای آینده آن ها تصمیم خواهند گرفت. در ادامه مشروح این گفت و گو را می خوانید:

همچنان برخی از مردم در دوراهی حضور یا حضور نیافتن در انتخابات مانده اند، توصیه شما به عنوان یکی از چهره های شاخص اصلاح طلبی به این افراد چیست؟

از آن جا که نظام جمهوری اسلامی متکی به آرای ملت ایران است و تنها جایی که مردم در آن سرنوشت خود و آینده نظام را رقم می زنند در پای صندوق های رای است؛ از این جهت بدیهی است که شرکت در انتخابات نه تنها یک وظیفه قانونی است بلکه همان که مرحوم امام (ره)، رهبری و دیگر مراجع



مقاومت و مشارکت

علی عبدی



در حوزه مقاومت ما با مولفه قدرت مواجه هستیم، قدرت نرم، قدرت سخت و قدرت نیمه سخت. حضور مردم و مشارکت مردم موجب تقویت سرمایه اجتماعی مقاومت می شود و هر چقدر سرمایه اجتماعی بیشتری به صحنه انتخابات بیاید در واقع نشان از پشتوانه مستحکم مردمی جبهه مقاومت دارد. تقویت مشارکت سیاسی و مردم سالاری در کشورهای منطقه در گام اول باعث می شود تصویر متداول شرق شناسانه ای که اسرائیلی ها از خاورمیانه ارائه می دهند که خاورمیانه برهوت دموکراسی است و تنها دموکراسی در منطقه رژیم صهیونیستی است، با مشارکت بالای مردم در کشورهای حامی مقاومت این تصویری که اسرائیلی ها به کمک پروپاگاندا یهود در جهان ساخته اند شکسته شود. در واقع آن دوقطبی کاذبی که صهیونیست از منطقه ترسیم کرده است که کشورهای منطقه دارای دیکتاتوری هستند و تنها این رژیم صهیونیستی است که دارای دموکراسی مدرن است شکسته می شود و جبهه مقابل آن یعنی جبهه مقاومت نشان می دهد که پشتوانه مردمی دارند و متکی به آرای مردم خود هستند و از مشارکت سیاسی بالایی برخوردارند.

قدرت صندوق رای در توسعه کشورها چگونه است؟

اکثریت محترم و ارزشمند است. مروری بر این تجربیات، گویای این امر است که صندوق رای، امری مقدس و تاثیرگذار است و بهترین مکانیسم برای غلبه بر چالش ها و حل معضلات پیش رو در جوامع و حتی جهان به شمار می رود. به تعبیر دیگر، ایجاد هر نوع تحول معنادار به نفع مردم با پاس داشتن رای مردم امکان پذیر است.

برای همین، ضرورت دارد همه تلاش ها و راهبردها در کشور از سوی جریان های سیاسی و نهادهای قدرت معطوف به پاسداری از صندوق رای باشد و گفتمان مشارکت حداکثری و انتخاباتی رقابتی نیز در چنین قالب و بستری معنا و مفهوم می یابد. با مشارکت حداکثری در بستر فضای رقابتی می توان امیدوار به تحول و حرکت رو به جلو در کشور بود. امروز ایران اسلامی نیاز به وحدت در داخل و ترمیم آسیب های اجتماعی دارد. روی کار آمدن دولتی با پشتوانه بالای مردمی تنها گزینه موجود و ممکن برای تقویت حس اعتماد اجتماعی و همبستگی ملی است. این دولت می تواند با تقویت همدلی در داخل، زمینه را برای حل معضلات بیرونی کشور با اتکا به قدرت رای مردم فراهم سازد. امروز همه نگاه ها در بیرون از کشور معطوف به انتخابات ۲۸ خرداد است. طبیعی است که حضور و مشارکت گسترده مردم در این انتخابات حامل این پیام برای قدرت های منطقه ای و جهانی خواهد بود که ایران اسلامی از همبستگی قوی درونی برخوردار بوده و این امر باعث افزایش عزت و اقتدار بیشتر کشور در صحنه های منطقه ای و بین المللی خواهد شد. نباید گذشت چنین فرصت ارزشمندی از دست برود.



سیاسی و اقتصادی انگلیس بود. دولتمردان انگلیس برای حل این چالش به سراغ صندوق رای و همه پرسی رفتند و در رقابتی نفس گیر میان آری به اتحادیه اروپا و نه به اروپا در نهایت با اختلافی اندک مخالفان اتحادیه اروپا در انگلیس پیروز شدند و رسماً انگلیس از جمع اروپایی ها بیرون خارج شد. پرسش در این جاست که چه مکانیسم و ابزاری بهتر از صندوق رای می توانست بدون هزینه و چالش سیاسی این مسئله را برای دولتمردان انگلیس حل کند. وقتی سخن از قدرت صندوق رای است در یک چنین مواقع بستری است که جامعه برای گرفتن تصمیمات بزرگ و تعیین کننده، هیچ مسیری مطمئن تر از رای و نظر مردم را ندارد. دیگر امروز کسی در انگلیس، دیگری را راجع به مسئله برگزیت مورد عتاب قرار نمی دهد. حتی حامیان حضور در اتحادیه اروپا معترف به این موضوع هستند که اکثریت مردم انگلیس خواهان خروج بودند و رای و نظر

صندوق رای چیست و ضرورت تأکید نخبگان و حامیان دموکراسی به قدرت صندوق رای به عنوان تنها مجرای مدنی و نرم برای چرخش نخبگان با چه هدفی است. نگاهی به تجربه دولت های توسعه یافته گویای این حقیقت است که پاسداری از صندوق رای زمینه ساز رشد و اعتلای سیاسی جامعه و چرخش آرام قدرت در این کشورها شده است. صندوق رای قدرتی بی نظیر در عبور دادن جامعه از بن بست ها و چالش ها دارد. نمونه های فراوانی در کشورهای توسعه یافته مشاهده شده که رهبران سیاسی در مواجهه با مشکلات و چالش های کلان به آرای عمومی مراجعه کردند و رای و دیدگاه مردم تعیین کننده جهت گیری سیاسی و اقتصادی آن جامعه بوده است. نمونه های اخیر این موضوع در مسئله برگزیت و مشخص تر از همه انتخابات اخیر آمریکا دیده شد. در موضوع برگزیت، از همان اوان شکل گیری اتحادیه اروپا، انگلیسی ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و دوری آن ها از مرکز اروپا و همچنین روابط فرا آتلانتیکی با آمریکا نگرش مثبتی به اتحادیه اروپا نداشتند. برای همین با این که در گذر زمان با تقویت بحث های منطقه گرایی و همگرایی متقابل اقتصادی، لندن به جمع برلین و پاریس پیوست و در گسترش مرزهای اتحادیه اروپا تلاش کرد؛ اما هیچ وقت هویت اش را در اتحادیه اروپا تعریف نکرد و رویکردی همواره مستقل تر پیگیری می کرد. کوتاه سخن این که موضوع تداوم رابطه انگلیس با اتحادیه اروپا همواره به عنوان موضوعی چالشی در سطح سیاست گذاری انگلیسی ها مطرح بود و ناراضیاتی شان را به طرق مختلف با حضور در جمع اروپایی ها ابراز می کردند. این مسئله چالشی برای آینده